

سؤال/جواب ۱۱: حروف مقطعه در قرآن

سؤال/ ۱۱: ما المراد من الحروف المقطعة في أوائل السور؟
پرسش ۱۱: مراد از حروف مقطعه در ابتدای سوره‌ها چیست؟

الجواب: في سورة البقرة (الم):
(م) : محمد، (ل): علي، (أ): فاطمة.
الحروف في أوائل السور (١٤) حرفاً، نصف عدد أحرف اللغة (٢٨) حرفاً،
وهذه الحروف هي الحروف النورانية، مقابلها الحروف الظلمانية أي قليلة النور،
لا أنها مظلمة.

پاسخ: در سوره‌ی بقره (الم):

م: محمد، ل: علی و الف: فاطمه است.

این حروف در ابتدای سوره‌ها ۱۴ حرف هستند؛ نصف تعداد حروف که ۲۸ حرف می‌باشد. این حروف، حروف نورانی‌اند، و مقابل آن حروف ظلمانی قرار می‌گیرند؛ یعنی کم‌نور نه این که تاریک باشند.

وهذه الحروف كمنازل القمر الأربعة عشر الواقعة في نصف الشهر، أي بعد مرور سبعة أيام على بداية الشهر، والـ (م) كمنزل القمر في ليلة اكتماله، والـ (ل) الليلة التي تسبقها، والـ (أ) الليلة التي تليها، وهذه هي ليالي التشريق.

این حروف مانند منزل‌های چهارده‌گانه‌ی قمر در نیمه ماه هستند؛ یعنی پس از گذشتن هفت روز از ابتدای ماه. «م» مانند جایگاه ماه در شب کامل شدن آن است و «ل» شب پیش از آن و «الف» شب پس از آن می‌باشد، و این‌ها ایام تشریق‌اند.

و محمد هو القمر المکتمل، و علی و فاطمة القمر شبه المکتمل، و رد فی الدعاء: (و کلمتک التامة، و کلماتک التي تفضلت بها علی العاملین) ([170]).

محمد ماه کامل است، و علی و فاطمه شبه کامل می باشند. در دعا آمده است: « و کلمه ی کاملت و کلماتی که به آنها بر عالمیان تفضل فرمودی. » ([171])

و المیم مقابل الله فی البسملة، و اللام مقابل الرحمن، و الألف مقابل الرحیم، و کما أنّ البسملة فی کل سورة هی عبارة عن صورة لبسملة الفاتحة، و من جهة معینة، كذلك فإنّ هذه الحروف هی صورة للرسول محمد و علی و فاطمة علیهما السلام و الأئمة. و فی کل موضع هی صورة لهم من جهة معینة، و کما زاد المعصوم معرفة بالله از دادت جهاته و ظهوراته فی القرآن، و زاد تکرار الحرف الذي یمثله، فالمیم تکرر (۱۷) مرة، و اللام تکرر (۱۳) مرة، و الألف تکرر (۱۳) مرة.

«میم» مقابل الله در بسمله است و «لام» مقابل الرحمن و «الف» مقابل الرحیم. همان طور که بسمله در هر سوره، از جهتی خاص تصویری از بسمله فاتحه می باشد، این حروف هم تصویری از پیامبر خدا حضرت محمد و علی و فاطمه علیهما السلام و ائمه می باشند. در هر موضعی، این ها از جهتی خاص و معین تصویری از آنها می باشند. هر چه شناخت و معرفت معصوم به خداوند بیشتر شود، جهت های او و ظهورهای او در قرآن بیشتر می شود، و حرفی که بیان گر او است بیشتر تکرار می گردد. میم ۱۷ بار تکرار شده است، لام ۱۳ بار و الف ۱۳ بار.

كما أنّ هذه الحروف هی صفوة القرآن، فمنها یتکون الاسم الأعظم، و هی سرّ بین الله و الإمام (ع) یؤلّف منها الاسم الأعظم ([172]).
ولو أذن لی أن أتکلم فیها أكثر من هذا لتکلمت

این حروف صفوة (برترین و خالص ترین های) قرآن اند و از آنها اسم اعظم تکوین می یابد و این سرّی است بین خدا و امام (ع) که از آن اسم اعظم تألیف می گردد. ([173])

اگر در این خصوص بیش از این اجازه داشتیم سخن بگوییم، سخن می‌گفتم....



[170]- مصباح المتعبد : ص 419.

[171]- مصباح المجتهد: ص 419.

[172]- عن أبي عبد الله (ع) في تفسير قوله تعالى: "جمعسق" قال: (هو حروف من اسم الله الأعظم المقطوع، يؤلفه الرسول أو الإمام صلى الله عليهما، فيكون الاسم الأعظم الذي إذا دعي الله به أجاب) بحار الأنوار: ج 89 ص 376.

[173]- از ابو عبدالله (ع) در تفسیر این سخن خداوند متعال (جمعسق) روایت شده است که فرمود: «حروفی از اسم الله اعظم مقطوع (بریده شده) می‌باشند که آن را پیامبر یا امام که صلوات خداوند بر ایشان باد، تألیف می‌کنند و اسم اعظمی را تشکیل می‌دهند که اگر با آن خداوند خوانده شود، اجابت می‌شود». بحار الانوار: ج 89 ص 376.